

آسمان و ریسمان

آسمان و ریسمان

سید محمدعلی جمالزاده

www.ketab.ir



کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir

چهارمزه، محمدعلی، ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶.

آسمان و زمین / محمدعلی چهارمزه به کوشش علی محمدی - تهران: سخن، ۱۳۷۹.

[۲۰۰ص.] - (مجموعه آثار چهارمزه ۲)

ISBN 978-622-246-222-2

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۲۲۲-۲

۱. داستانهای کوتاه فارسی - قرن ۱۲، ۲. چهارمزه، محمدعلی، ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶ -

سرگزشته‌ها و کتابشناسی، آلف. دهباشی، علی، ۱۳۳۷ - گردآورنده، به عنوان

۸۵۳/۶۲

PIRA۰۰۷/آ۵

ت ۵۹۷ ج

۱۳۷۹

۱۳۷۹

۷۸-۱۳۹۱۷ م

کتابخانه ملی ایران

ن ل م س ع ن ل م س آ

منازل المجلد پنجم



آسمان و زمین

سید محمدعلی جمال‌الدین

به کوشش علی دهباشی

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف ۸۸۸۳۰۵۳۳

چاپ: مهارت

نوبت چاپ: پنجم (اول علم) / ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۴۶ - ۲۲۲ - ۲

خیابان انقلاب - خیابان دوازده فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

۱۳	دبیاچه
۱۷	مرگب محو
۵۳	غمغواران ملت
۷۷	مرغ همسایه
۱۰۱	طوبله‌های اوجیاس
۱۳۹	قال و تماشا
۱۴۹	جان‌دادن به‌مرده
۱۵۹	هتالیان عهد آتوم
۱۸۳	مرد اخلاق
۲۰۱	شورآباد
۲۳۷	کاچی بعض هیچیه
۲۴۹	جاودان ...
۲۶۳	نیکوکاری

۲۹۷	طفل نازپرور
۳۱۳	گاه و كوه
۳۲۳	سه چراغ

ترجمه

۳۲۷	مصيبت ميدان ملي
۳۳۵	كلان (علاء خانم رقااص)
۳۷۳	غول سنگي
۳۸۱	داستان طومر
۳۸۷	طاعت و عبادت آدمي

www.ketab.ir

دیباچه^۱

در مقاله آخر «شاهم یعنی» غیر از خدا هیچ‌کس نبوده^۲ در واقع با خوانندگان خودم خدا افتخار کرده و گفته بودم که عمر دلدرد نرمک نرمک به پایان می‌رسد و شاید دیگر قسمت باشد که سداب به گوش هموطنانم برسد. این گفته دروغ آمد. خدا خواسته است که زنده بمانم. این عیبی ندارد و هیچ نوع ادعای غیبی ندارم. عمر انسانی پس کوتاه است و بیشتر در سانس دراز، پس اگر دو صبحی بیشتر زنده ماندیم باید مفت خود بشماریم و حساب سناس نباشیم و اذهان نماییم که باتمام آنچه بزرگان ما در نكوهش از زندگی و سرحدح و ای نستی و مرگ گفته‌اند مرگ هر وقت فرا رسد زود رسیده است و کمتر کسی پیدا می‌شود که قدم اجل را بالای چشم نهد و حتی خیال می‌کنم اگر آن شتری که شاعر ما از زیانش گفته: «مرگ من هرچه زود دیرستی» روزی با این شاعر روبرو شود او را مورد ملاحظه قرار خواهد داد و از او خواهد پرسید که من کی به تو وکالت داده بودم که بر زبان من چنین سخنانی برانی که هرگز از منجمله من خطور هم نمی‌کند و هرگز در آینه خاطر من منعکس نگردیده است.

من بی‌پرده می‌گویم که طرفدار زندگی و زنده بودن هستم و به «زنده بودن» معنایی چنان ژرف و پرمفهوم و سنگین می‌دهم که همان

۱. یا به قول امروزی‌ها «پیش‌گفتار» ولی نفهمیدم جایی که کلمه «دیباچه» را داریم چرا باید کلمه مرکب «پیش‌گفتار» را به‌جای آن استعمال بکنیم مگر آنکه هر یک معنی و مفهوم دیگری را برساند که بر من معلوم نیست.

۲ هر چند اکنون پس از آن تاریخ کتاب‌های دیگری (زمین، ارباب، دهقان) و «صندوقچه اسرار» از من باز به‌چاپ رسیده است ولی در اینجا مقصود مجموعه داستان‌هاست.

نمی‌کنم اکثریت کامل زندگان بوی از آن به مشامشان رسیده باشد و معتقدم که تنها به اکل و دفع و ترضیه شکم و زیرشکم و جمع مال و منال و سر و کله زدن با عیال و اطفال نباید اسم زندگی داد. زندگی چیز دیگری زنده بودن چیز دیگری است.

با این همه معتقدم که مواردی هم وجود دارد که بدون هیچ شک و شبهه در آنجا مرگ بر زندگی ترجیح می‌یابد و از آن جمله است موارد

۱. موقعی که مرگ ما را از مرض درمان‌ناپذیر و به شدت دردناکی برهانند.

۲. موقعی که مرگ ما را از تنگ و عار و خیانت برهانند.

۳. موقعی که مرگ ما را از اسباب دستگیری و سعادت‌مندی جسمی از همنوعان باشد.

شاید بتوان یک مورد چهارم هم بر این موارد سه‌گانه بیفزاییم و آن در موقعی است که دستگیرمان شود که در آنجا ما متضمن هیچ نوع نفع و فایده‌ای نه برای خودمان و نه برای دیگران نمی‌باشیم در این صورت بسیاری از مردم و زندگان باید مرگ را برای خود بپسندند.

اکنون پس از این مقدمه که کاملاً مصداق «آسمان و ریسمان» دارد همان به که سخن را کوتاه کنم و باز چند داستان از داستان‌های خود را که هنوز به صورت کتاب به چاپ نرسیده است تقدیم به هموطنانم و به دوستان فارسی‌زبان و فارسی‌دان دور و نزدیک بنمایم و امیدوارم همچنان که در نگارش این داستان‌ها ابداً هیچ ادعا و مرادی جز تفریح خاطر و گذراندن وقت در میان نبوده است و همواره در این چهل و چهارساله که رویهمرفته هیچ‌گاه قلم از دستم نیفتاده است با شاعر

همزبان بوده و هستم که:

«غیر از سیاه کردن اوراق عمر خویش»

«ای دل دگر چه طرف زگفتار بستهای»

خوندگان عزیز نیز از مطالعه این اوراق تفریح خاطری بیابند و مرا نیز

همین پادشاه بس.

سید محمدعلی جمالزاده

ژنو، بهمن ۱۳۲۲

www.ketab.ir